

جایگاه و نقش وکیل در آئین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲

خسرو قربانی

چکیده

اختیارات وکیل در همه جوامع امروزی برای احقاق حق موکلین در حقوق کیفری دارای بحث‌هایی می‌باشد، که در بعضی از جوامع متهم می‌تواند بدون حضور وکیل خود، از پاسخگویی به هر سوالی توسط مراجع تحقیق خودداری نماید و در سایر جوامع نیز داشتن وکیل و حضور وکیل در مراحل تحقیق دارای بایدها و نبایدها می‌باشد. در نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران در قانون آئین دادرسی قدیم حضور وکیل در مرحله تحقیق در دادسرا و مراجع انتظامی دارای شرایط خاصی بود. به عنوان مثال متهم فقط حق همراه داشتن وکیل در دادسرا را داشت، اما وکیل حق هیچگونه مداخله در نحوه تحقیق توسط دادیار یا بازپرس را نداشت و تنها می‌توانست در جهت رسیدن قاضی دادسرا به حقیقت موضوع مواردی را عنوان نماید. اما در قانون جدید آئین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ قانونگذار اختیارات وسیعی را برای متهمان در جهت دسترسی به وکیل وضع نموده است، که قانون صدرالذکر می‌تواند نوید بخش سرآغازی جدید در حفظ حقوق متهمان باشد. در این مقاله سعی شده تا در سه فصل به صورت مختصر درمورد مفهوم وکیل و پیشینه تاریخی وکیل در دادرسی‌ها و تحولات جایگاهی و اختیارات وکیل در قانون کیفری جدید مورد بررسی قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: اختیارات وکیل، بازپرس، قانون آئین دادرسی کیفری جدید، حق داشتن وکیل، رای

وحدت رویه

مقدمه

در بیشتر اسناد جهانی و منطقه‌ای حقوق بشر، دادرسی عادلانه و معیارهای آن به چشم می‌خورد. دادرسی عادلانه ایجاب می‌کند اصول و قواعد خاص بر فرایند رسیدگی کیفری حاکم باشند تا این فرایند به اهداف خود دست یابد. این نوع دادرسی جلوه‌های متعددی دارد که یکی از آنها حق برخورداری متهم از معاضدت وکیل مدافع در فرایند دادرسی کیفری است.

قانون‌گذار ایران در قوانین مربوط به حقوق دفاعی متهم در عرصه تحقیقات مقدماتی بدون توجه به اهداف و فلسفه اصل ۳۵ قانون اساسی و معیارهای اساسی دادرسی عادلانه در اسناد حقوق بشری به رسمیت شناخته شده، با اتخاذ رویکرد امنیت مدار، در طول دوره‌های گوناگون، پاره‌ای از اصول مسلم حقوق کیفری را تعدیل کرده، به نحوی که حق متهم مبنی بر همراه داشتن وکیل در عرصه تحقیقات مقدماتی را به اختیار مقام قضایی واگذار نموده است. در نظام کیفری ایران حق برخورداری از وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی در آغاز وجود نداشت و دامنه شمول این حق به دادگاه و رسیدگی‌های آن محدود شده بود؛ تا این که در سال ۱۳۳۵ با الحاق یک تبصره به ماده ۱۱۲ قانون آیین دادرسی کیفری، متهم توانست یک نفر از وکلای دادگستری را بدون این که بتواند در امر تحقیق مداخله کند، همراه خود داشته باشد. به این ترتیب امکان حضور وکیل در تحقیقات، در قوانین ایران نیز راه پیدا کرد. مضمون تبصره یاد شده بعدها در ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری ۱۳۷۸، عیناً تکرار شد. لکن تبصره این ماده با افزودن قیودی مبهم و کلی، برخورداری از وکیل در مرحله تحقیقات را با محدودیت‌های قابل ملاحظه‌ای مواجه نمود. مطابق تبصره یاد شده در مواردی که موضوع جنبه محرمانه دارد یا حضور غیرمتهم به تشخیص قاضی موجب فساد گردد و همچنین در خصوص جرایم علیه امنیت کشور حضور وکیل در مرحله تحقیق با اجازه دادگاه خواهد بود. در آخرین تغییرات قانونی نیز که مربوط به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات آن در سال ۱۳۹۴ می‌باشد، محدودیت‌های جدید و بی‌سابقه‌ای به وجود آمده است؛ از جمله آن که در تحقیقات مقدماتی برخی از جرایم مهم، فقط وکلای مورد تأیید رئیس قوه قضاییه حق وکالت و دفاع از متهم را خواهند داشت. به نظر می‌رسد قانون‌گذار کیفری ایران، هنوز در مرحله مقدماتی، قایل به پذیرش سیستم اتهامی است؛ به گونه‌ای که تحقیقات، محرمانه، مکتوب و سری بوده و دخالت وکیل محدود و موقوف به شرایطی خاص است. حال آن که این دیدگاه مورد انتقاد می‌باشد و لزوم تغییر رویکرد نظام قانونگذاری و همچنین قوه قضاییه در برخورد با وکلا احساس می‌شود. بنابراین بازپژوهی تفکر قانون‌گذار در رابطه با حضور وکیل در تحقیقات مقدماتی و رسیدگی در دادگاه‌های کیفری و تبیین تحولات مذکور اهمیت می‌یابد. که موارد گسترش و تغییرات جایگاه وکیل در قانون جدید مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. مفهوم وکیل

وکالت واژه‌ای عربی و به معنای تفویض و واگذاری کاری به کسی و اعتماد کردن به او می‌باشد. در حقیقت وکالت، اسم مصدر از توکیل است و توکیل را تفویض امری به دیگری و نایب قرار دادن او معنا کرده‌اند. وکیل نیز در لغت به معنای گماشته، نماینده، کسی که از طرف فرد دیگر برای انجام کاری تعیین می‌شود و کسی که کاری را به او بسپارند آمده است. همچنین وکیل در معنی حفظ و نگهداری، مانند «لأله هو فاتخذة وکیلاً» که وکیل به معنای «حافظ» است؛ حمایت و همراهی، مانند: «و قالوا حسبنا الله و نعم الوکیل» وکیل «حامی» معنا شده است؛ تفویض و واگذاری، مانند: «و علی الله فلیتوکل المتوکلون» توکل که ریشه «وکالت» دارد، به معنای «تفویض» آمده است.

بیشتر فقهای امامیه، تعریف کوتاهی از وکالت ارائه داده‌اند و آن را «اعطای نمایندگی در تصرف» معنا نموده‌اند و گاهی قید «بالذات» را هم افزوده‌اند که آشکار سازند که هدف اصلی و مقصود ذاتی وکالت، نیابت در تصرفات حقوقی است. برخی از فقها به تکمیل تعریف پرداخته و نوشته‌اند: وکالت «عقدی است که انسان، دیگری را در زمان حیات خویش، در تصرفی که مالکیت دارد جانشین خود سازد». و تکیه گاه «استنابت» را «تفویض» و «اعتماد» گرفته‌اند که معانی حقیقی وکالت است. شهید اول و ثانی هم نوشته‌اند «وهی استنابه فی التصرف بالذات» نایب گرفتن در تصرف بالذات را وکالت نامند. امام خمینی (ره) هم آورده است: «وکالت آن است که انسان کاری را که می‌تواند در آن دخالت کند به دیگری واگذار نماید تا از طرف او انجام دهد». معجم الفاظ الجعفری: «جایگزینی از جانب اصیل در پیشبرد کاری، گاهی از ناحیه تصرف عام و متعلق خاص و گاهی بر عکس، بعضی اوقات از هر دو ناحیه خاص و زمانی هم از هر دو ناحیه عام است که به نام‌های وکالت خاصه و عامه و مطلقه در کتب فقه معروف است». ماده ۶۵۶ قانون مدنی ایران نیز در تعریف وکالت مقرر می‌دارد: «وکالت یعنی کسی، دیگری را جانشین خود قرار دهد که به نیابت از او کاری را انجام دهد، نفر اول را موکل دیگری را که نایب او شده وکیل گویند».

بنابراین وکالت عقد است و در انعقاد آن رضای طرفین شرط و منوط به ایجاب و قبول است. قبول وکالت به هر لفظ یا فعلی است که دلالت بر رضای وکیل بر قبول وکالت بنماید و باعث انعقاد وکالت گردد. بنابراین تصور ایقاع بودن وکالت صحیح نیست و قبول، شرط صحت آن است. همچنین عقد وکالت وسیله اعطای نیابت به وکیل است که تا در حدود اختیارات تفویض شده به او اعمال حقوقی معینی را به نام و حساب موکل انجام دهد، بنابراین عقد وکالت در زمره عقود اذنی به حساب می‌آید و عقد وکالت عقدی جائز است و به موت هر یک از وکیل و موکل منفسخ می‌گردد. اثر عقد وکالت نیز اعطای نیابت است. بنابراین وکیل نسبت به آثار اموری که انجام می‌دهد در حکم واسطه است و آنچه که می‌کند برای موکل است. تعهدهایی که پذیرفته است بر موکل تحمیل می‌شود و اگر نفعی در بین باشد برای او است. با جمع

۱- قرآن کریم سوره مزمل، آیه ۹

۲- قرآن کریم، سوره آل عمران، آیه ۱۷۳

بندی تعاریف ذکر شده می‌توان گفت: وکالت عبارت از سپردن صلاحیت تصرف از جانب موکل به کسی است، در زمان حیات، مطلق باشد یا مقید، در آن مواردی که جائزالتصریف بوده و نیابت از آن مشروع است، لزومی ندارد که اختیاری و یا اضطراری باشد. وکالت‌دهنده را موکل و قبول‌کننده وکالت را وکیل می‌گویند. به دیگر سخن وکیل کسی است که از طرف شخص دیگری - اعم از حقوقی یا حقیقی - به موجب عقد وکالت برای انجام کاری مامور می‌شود. اما وکیل دادگستری نیز شخصی است که با دارا بودن شرایط و تخصص لازم، ضمن قبولی در آزمون و پس از گذراندن دوره آموزشی مخصوص، پروانه وکالت را دریافت نموده و حق وکالت در مراجع قضایی را پیدا می‌نماید.

۲. پیشنهاد وکیل در نظام کیفری ایران

شغل وکالت هم زمان با پیدایش تمدن به وجود آمده و از زمانی که افراد، زندگی اجتماعی و جمعی را تجربه نمودند متوجه لزوم داوران در میان خود شدند تا در میانشان به قضاوت بپردازند و در کنار آنها، وکیل دادگستری که از همان ابتدا در کنار قاضی قرار داشت، ایجاد شد. در عهد اسلامی نیز با توجه به اینکه شارع به امر وکالت بها داده و یکی از القاب خداوند، وکیل است و به استناد آیه شریفه «نعم المولی، و نعم الوکیل» بسیاری از امور از طریق وکالت انجام می‌گرفت.

در ادامه و با تخصصی‌تر شدن امور و از جمله وکالت، به تبع بسیاری از نظام های حقوقی در کشور ما نیز نهادی که مسئولیت امور مربوط به وکلای دادگستری را برعهده گیرد تحت عنوان کانون وکلای دادگستری به وجود آمد. شخصیت حقوقی کانون وکلا ناشی از قانون خاص یعنی قانون لایحه استقلال کانون وکلا مصوب پنجم اسفند ماه ۱۳۳۳ بوده و در قلمرو حقوق عمومی است. البته نخستین بار در ۲۷ تیر ماه ۱۳۰۰ شمسی، مجمع وکلای رسمی تشکیل شد و نظامنامه‌ای مرکب از ۲۴ ماده تصویب نمود که به موجب آن در هر حوزه قضایی که تعداد وکلا به ۲۰ نفر می‌رسید، می‌توانستند مجمع وکلای آن حوزه را تشکیل دهند و هیئت مدیره‌ای مرکب از ۷ نفر انتخاب کنند؛ اما این مجمع دوام چندانی نداشت و در سال ۱۳۰۲ منحل شد. بار دیگر در ۲۰ آبان ماه ۱۳۰۹ کانون وکلای عدلیه با حضور اکثریت وکلا به وسیله مرحوم داور وزیر عدلیه وقت رسماً افتتاح شد. به موجب قانون مصوب ۲۵ بهمن ۱۳۱۵ اصول تشکیلات وکلا و طریقه انتخاب هیئت مدیره و وظایف و اختیارات کانون تصویب و به موقع اجرا گذاشته شد. همچنین اولین باری که در نصوص قانونی اشاره به استقلال کانون وکلا شده است، قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵ می‌باشد. البته در این قانون تنها به استقلال کانون در زمینه «عواند و مخارج» اشاره شده بود و از نظر نظامات از «وزارت عدلیه» تبعیت می‌کرد. اما به موجب قانون ۵ اسفند ۱۳۳۳ این استقلال حیطة گسترده‌تری یافت. در قانون مذکور آمده است: «کانون وکلای دادگستری مؤسسه‌ای است مستقل و دارای شخصیت حقوقی». در قانون ۵ اسفند ۱۳۳۳ و آیین‌نامه آن، اموری نظیر دادن پروانه وکالت، اداره امور راجع به وکالت دادگستری، نظارت بر اعمال وکلا، معاضدت قضایی و فراهم آوردن وسایل پیشرفت علمی و عملی

و کلاً جزء وظایف و اختیارات کانون وکلا ذکر شده است. بدین ترتیب پس از سال‌ها تلاش و یک مبارزه پیگیر و دامنه‌دار قانون استقلال کانون وکلا و آئین نامه آن از اوایل سال ۱۳۳۴ به صورت منشور قانونی و کلاهی دادگستری درآمد.

اولین ماده قانونی که در آیین دادرسی کیفری مجوز شرکت وکیل در مقام دفاع از متهم را تجویز نمود، ماده ۱۱۲ قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۲۹۰ شمسی بود. البته در متن اولیه این قانون، واژه صریحی درباره دخالت وکیل متهم در عرصه تحقیقات مقدماتی وجود نداشت؛ اما پس از تحولاتی که در سطح بین‌المللی در زمینه شناسایی بیشتر حقوق متهم رخ داد، قانون‌گذار ایران نیز در سال ۱۳۳۵ تبصره‌ای به ماده ۱۱۲ قانون الحاق نمود که طبق آن: «متهم می‌تواند یک نفر از وکلاء رسمی دادگستری را همراه خود داشته باشد. وکیل متهم بدون مداخله در امر تحقیق پس از خاتمه بازجویی می‌تواند و مطالبی را که برای روشن شدن حقیقت و دفاع از متهم یا اجراء قوانین لازم بداند به بازپرس تذکر دهد. اظهارات وکیل در صورت جلسه منعکس می‌گردد». بنابراین از ابتدای قانون‌گذاری، مجوز شرکت وکیل در دادرسی کیفری بطور محدود بوده و حق دفاع در مرحله تحقیقات مقدماتی کم رنگ شده است. این امر از رعایت صرف اصول نظام دادرسی تفتیشی ناشی شده است که نه متهم و نه وکیل وی حق دفاع و اقامه دلایل بطور مستقل و آزادانه را نداشته‌اند.

با ملاحظه قوانین کیفری بعد از انقلاب اسلامی می‌توان گفت مهمترین قانونی که شرکت وکیل و حضور وی را در دادرسی‌های کیفری تجویز و مقررات آن را باز هم بطور ناقص و پراکنده مطرح نموده قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب و امور کیفری سال ۱۳۷۸ می‌باشد. امکان برخورداری قانون‌گذار از نتایج اقدامات و تجارب کشورها در زمینه تقویت قوانین، شکل‌گیری رویه قضایی مستحکم و تنظیم اسناد بین‌المللی حقوق بشر این نوید را می‌داد که در قانون جدید محدودیت‌های مقرر در تبصره ماده ۱۱۲ برداشته شود و اختیارات بیشتری برای دفاع از متهم به وکیل داده می‌شود. اما این امیدواری به طور کامل حاصل نشد و ماده ۱۲۸ قانون پیش گفته مصوب ۱۳۷۸ به این شرح به تصویب رسید: «متهم می‌تواند یک نفر وکیل همراه خود داشته باشد. وکیل متهم بودن مداخله در امر تحقیق پس از خاتمه تحقیقات مطالبی را که برای کشف حقیقت دفاع از متهم یا اجرای قوانین لازم بداند که به قاضی اعدام می‌نماید. اظهارات وکیل در صورت جلسه منعکس می‌شود.» بدین ترتیب موقعیت متهم در تحقیقات مقدماتی بهبود قابل ملاحظه‌ای نیافت.

در بعضی دیگر از قوانین و مصوبات بعد از انقلاب نیز از حکم دفاع متهم و استفاده از وکیل در دادرسی سخن به میان آمده است. قانون‌گذار در بند ۳ ماده واحد قانون حفظ حقوق شهروندی که در تاریخ ۸۳/۲/۱۵ به تصویب رسید صریحاً اعلام نمود که محاکم و دادرها مکلفند حق دفاع متهمان و مشتکی عنه را رعایت کرده و فرصت استفاده از وکیل را برای آنها فراهم آورند. اطلاق عبارت این بند که مفید

حق برخورداری بی قید و شرط متهم از وکیل در دادسرا می باشد به تایید شورای نگهبان رسیده است؛ ولی در عمل، عمل به مفاد ماده ۱۲۸ در اولویت قضات دادگستری قرار گرفت.

۳. تحولات قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲

قانون آیین دادرسی کیفری، از مهم ترین قوانین پایه ای و اساسی هر کشور بوده که بخش مهمی از نظم عمومی کیفری و عدالت کیفری از طریق آن اجرا می شود. مقررات نظام قضایی و دادرسی و آیین دادرسی کیفری در ایران، طی سه دهه گذشته، چندین بار دچار تغییرات کلی شده است. تغییرات مزبور، علاوه بر سازماندهی نظام دادرسی کیفری، خود موجب بروز بی نظمی و ناهنجاری های متعددی در سیستم قضایی و وضعیت حقوق شهروندی شده است، آنگونه که همگان در زمان حذف قانون دادسراها و قانون احیاء دادسراها شاهد بوده اند.

با گذشت بیش از ده سال از تهیه اولین پیش نویس، قانون آیین دادرسی کیفری جدید در ۵۷۰ ماده و ۲۳۰ تبصره مصوب جلسه مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۴ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی طبق اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی که با عنوان لایحه به مجلس شورای اسلامی تقدیم گردیده بود، پس از موافقت مجلس با اجرای آزمایشی آن به مدت سه سال و تائید شورای نگهبان مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۶، در تاریخ ۱۳۹۳/۲/۳ طی شماره ۲۰۱۳۵ در روزنامه رسمی کشور منتشر شد و برابر ماده ۵۶۹ آن، پس از شش ماه از تاریخ انتشار در روزنامه رسمی کشور لازم الاجراء می شود. در نهایت این قانون از تاریخ ۱۳۹۴/۴/۱ اجرایی شد. با توجه به تحولات صورت گرفته در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ که تقریباً دگرگونی و تغییرات عمده ای، با در نظر گرفتن قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ مشاهده می گردد، که در این راستا نقش و حدود اختیارات وکیل نیز مستثنی نبوده، لذا در این قسمت سعی شده است که به صورت سلسه مراتب قضایی اقدامات وکیل در تمام مراحل دادرسی شامل دادسرا، محاکم کیفری، تجدید نظر و دیوان عالی کشور و سایر محاکم جزایی مورد بحث و بررسی قرار گیرد، تا بتوان تغییرات صورت گرفته و حدود اختیارات و جایگاه وکیل مدافع در قانون جدید و دستاوردها و تفاوت های آن با قانون آیین دادرسی کیفری قدیم جهت دفاع از حقوق بزه کاران و بزه دیدگان، با توجه به رعایت حقوق شهروندی و دادرسی عادلانه مورد کنکاش قرار خواهیم داد.

الف - قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و حق داشتن وکیل

- ۱- در اصل سی و پنجم قانون اساسی؛ در همه دادگاه ها طرفین دعوا حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند، و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند، باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد.
- ۲- منظور از کلمه در همه دادگاه ها طرفین دعوا حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند، بدان معنا نیست که افراد در غیردادگاه ها از داشتن وکیل محرومند و مثلاً در مرحله دادسرا نمی توانند وکیل انتخاب نمایند،

منظور قانون اساسی از همه دادگاه‌ها همه مراجع قضایی است و چون خبرگان تهیه کننده قانون اساسی با توجه به منابع فقهی، دادگاه را مرجع رسیدگی قضایی می‌دانند روی دادگاه تاکید کردند، والا هدف استثنا کردن دادسرا نبوده است.^۱

۳- تعریف ردیف (۲) مربوط به زمانی است که هنوز قانون آئین دادرسی جدید تصویب نگردیده بود، اما در قانون جدید به صراحت قانون‌گذار نه بلکه دادسرا را مستثنی نکرده بلکه در ماده ۵ آن حق دسترسی به وکیل را در اسرع وقت تعیین نموده است، و در ماده ۱۹۰ (آ د ک) ۹۲ نیز این حق را برای مرحله تحقیقات مقدماتی نیز برای متهم در نظر گرفته است و حتی سلب این حق یا عدم تفهیم این حق را موجب مجازات انتظامی درجه هشت و سه دانسته است.

ب - ماده ۵ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲

متهم باید در اسرع وقت از موضوع و ادله اتهام انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره‌مند شود. (معاونت حقوقی ریاست جمهوری، سال ۱۳۹۳، صفحه ۱۱)

ماده ۵ به نوعی یک تاسیس جدید حقوقی در نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران می‌باشد، که قانون‌گذار در قانون سال ۱۳۹۲ (آ د ک) مبادرت به قانون‌گذاری نموده است و می‌توان این حق را که در قانون برای متهمان در نظر گرفته شده است، در صورت اجرایی صحیح آن به نوعی مطابق با جوامع بسیار پیشرفته یکسان و برابر دانست، و این حق کمک شایانی به رعایت حقوق اشخاص در مظان اتهام خواهد نمود.

پ - ماده ۱۹۰ قانون (آ د ک) سال ۱۳۹۲

متهم می‌تواند در مرحله تحقیقات مقدماتی، یک نفر وکیل دادگستری همراه خود داشته باشد، این حق باید پیش از شروع تحقیق توسط بازپرس به متهم ابلاغ و تفهیم شود، چنانچه متهم احضار شود، این حق در برگه احضار به قید و به او ابلاغ می‌شود. وکیل می‌تواند با کسب اطلاع از اتهام و دلایل آن، مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قانون لازم بداند، اظهار کند، اظهارات وکیل در صورت مجلس نوشته می‌شود.

تبصره ۱: سلب حق داشتن وکیل یا عدم تفهیم این حق به متهم به ترتیب موجب مجازات انتظامی درجه هشت و سه است.

تبصره ۲: در جرائمی که مجازات آن سلب حیات یا حبس ابد است، چنانچه متهم اقدام به معرفی وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی ننماید، بازپرس برای وی وکیل تسخیری انتخاب می‌کند.

تبصره ۳: درمورد این ماده و نیز چنانچه اتهام مطرح مربوط به منافعی عفت باشد، مفاد ماده (۱۹۱) جاری است.^۱

۱- مدنی، سال ۱۳۸۰، صفحه ۱۰۵.

۱- **بررسی ماده ۱۹۰ و تبصره‌های آن؛** ماده ۱۹۰ که در قانون کیفری جمهوری اسلامی ایران برای اولین بار توسط قانون‌گذار وضع گردیده است، مهمترین بحث این قانون در موضوع حق داشتن وکیل در دادسرا برای متهمان می‌باشد، و به نوعی تامین کننده حقوق انسانی و شهروندی افراد در مظان اتهام را به نوعی تامین می‌کند و این حق آنقدر برای متهم ارزش قائل گردیده که مقام تحقیق در دادسرا یعنی بازپرس باید قبل از هر تحقیقی از متهم حق داشتن وکیل را به او تفهیم نماید، و برای وکیل نیز حق دفاع از حقوق متهم را به رسمیت شناخته است، البته با توجه به اصلاحیه قانون (آ د ک) ۱۳۹۲ این ماده دستخوش تغییرات اساسی قرار گرفت.

۲- **بررسی تبصره یک ماده ۱۹۰ (آ د ک)؛** قبل از اصلاحیه تیرماه سال ۱۳۹۴ که اشعار می‌داشت سلب حق همراه داشتن وکیل و یا عدم تفهیم این حق به متهم موجب بی‌اعتباری تحقیقات می‌شود، ولی با توجه به اصلاحیه‌ای که در ۹۴ صورت گرفت بی‌اعتبار بودن تحقیقات را از ذیل این تبصره حذف کرده و آن را موجب مجازات درجه هشت و سه دانسته‌اند، در این تبصره از کلمه سلب حق نامبرده شده است، و همراه نداشتن وکیل را در بر نمی‌گیرد، یا به عبارتی ماده ۱۹۰ (آ د ک) داشتن وکیل برای همه متهمان را الزامی نکرده است، و ممانعت از داشتن این حق را موجب مجازات دانسته است و آنهم به شرط اینکه بازپرس با عدم ابلاغ یا تفهیم حق داشتن وکیل به متهم و یا جلوگیری و ممانعت بازپرس از همراه داشتن وکیل توسط متهم صورت گرفته باشد.

۳- **بررسی تبصره ۲ ماده ۱۹۰ (آ د ک) ۹۲؛** در این تبصره قانون‌گذار بازپرس را ملزم به تعیین وکیل تسخیری در صورت معرفی نکردن وکیل توسط متهم نموده است.

۴- **بررسی تبصره ۳ ماده ۱۹۰ (آ د ک) ۹۲؛** در تبصره ۳ قانون‌گذار مبادرت به وضع محدودیت برای وکیل در جرایم منافی عفت و ماده ۱۹۱ قانون (آ د ک) نموده است، و این محدودیت با توجه به صراحت متن ماده که اشعار می‌دارد: "مطالعه یا دسترسی به تمام یا برخی از اوراق، اسناد یا مدارک پرونده را با ضرورت کشف حقیقت منافی بدانند، یا موضوع از جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور باشد، با ذکر دلیل، قرار عدم دسترسی به آنها را صادر می‌کند، که این قرار صادره ظرف سه روز قابل اعتراض در دادگاه صالح است، و دادگاه مکلف است در وقت فوق‌العاده به اعتراض رسیدگی و تصمیم‌گیری نماید." در این ماده قانون‌گذار یک قرار به قرارهای کیفری موجود در قانون آئین دادرسی کیفری اضافه نموده است، تحت عنوان قرار عدم دسترسی به اسناد پرونده، و در صورت اعتراض وکیل نیز یقیناً تصمیم دادگاه برای متهم و وکیل و بازپرس لازم‌الاتباع خواهد بود، اما ذکر این نکته مهم است، که با توجه به صراحت ماده ۱۹۰ (آ د ک) جدید چنانچه وکیل بخواهد از متهم نزد بازپرس دفاع نماید، و از اسناد و اوراق پرونده نیز مطلع نباشد چگونه می‌تواند از موکل در نزد بازپرس دفاع نماید.

ت — بررسی تبصره ماده ۱۹۵ قانون (آ د ک) ۹۲

در این تبصره قانون‌گذار به وکیل اختیار تذکر به بازپرس را داده است، و شرایط تذکر را نیز طرح سوالات تلقینی یا سایر موارد خلاف قانون ذکر نموده است.

موارد سکوت موجود در تبصره ماده ۱۹۵ (آ د ک) جدید، چنانچه وکیل بخواهد به بازپرس تذکر دهد این تذکر را باید از چه طریق به بازپرس اعلام نماید، آیا موارد را ذکر و در طی یک لایحه به بازپرس تحویل نماید، یا که یک مرجع بالاتری به عنوان مثال آقای دادستان و در صورتی که آقای بازپرس تذکر وکیل را نپذیرد، آنوقت تکلیف چیست، و این تذکر چه ارزشی می‌تواند داشته باشد، و اصولاً نحوه تشخیص موارد خلاف قانون به چه صورت می‌باشد، به عنوان مثال وکیل بگوید سوال شما آقای بازپرس خلاف قانون است و بازپرس در جواب بفرماید از نظر خود سوال در چارچوب قانون است و در این اختلاف مرجع رسیدگی بین وکیل و بازپرس نیز توسط قانون‌گذار ساکت است، البته به نظر اینجانب بهتر بود به جای استفاده از کلمه "تذکر"، قانون‌گذار از کلمه "اعتراض دارم" استفاده می‌کرد و در هر صورت نحوه اجرای آن نیز مشخص می‌نمود.

ث — عدم بازداشت وکیل موضوع ماده ۳۵۴ قانون (آ د ک) جدید

در قانون قدیم در صورت اخلال در نظم دادگاه از طرفین یا سایر اشخاص و وکلای اصحاب دعوا به میزان یک تا پنج روز حبس صادر می‌کرد، و دستور حبس پس از رسیدگی به صورت فوری اجرا می‌شد، که در قانون جدید، قانون‌گذار حق حبس وکیل را توسط ریاست دادگاه در مرحله اول به تذکر سپس به اخراج از محکمه و در نهایت نیز معرفی وکیل اخلال‌کننده را به دادسرای انتظامی وکلا تغییر داده است.

ج — همه متهمان می‌توانند تا پایان اولین جلسه رسیدگی از دادگاه تقاضای تعیین وکیل نمایند

این حق تقاضای وکیل برای متهمان در ماده ۳۴۷ برای همه متهمان و در همه جرایم در نظر گرفته شده است، و در صورت درخواست حق‌الوکاله توسط وکیل نیز دادگاه موظف به تعیین مقدار حق‌الوکاله می‌باشد، و این حق‌الوکاله نیز باید از محل اعتبارات قوه قضائیه پرداخت گردد.

چند سوال عمده و مهم در ماده ۳۴۷ قانون جدید (آ د ک) وجود دارد، چنانچه قبل از اتمام جلسه دادگاه متهم تقاضای وکیل نماید، تکلیف جلسه دادگاه را قانون‌گذار مشخص نکرده است، آیا جلسه تکرار می‌شود، و در صورت تکرار جلسه حق شاکی و وکیل شاکی چه می‌شود، و پرداخت حق‌الوکاله توسط قوه قضائیه نیز دارای ابهام می‌باشد، به دلیل اینکه نیازمند سرفصل جداگانه‌ای برای پراخت حق‌الوکاله می‌باشد.

ج - حق درخواست رای وحدت رویه توسط وکلا

قانون‌گذار در ماده ۴۷۱ قانون جدید (آ د ک) برای وکلای دادگستری نیز حق درخواست رای وحدت رویه را از طریق رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور قائل گردیده است، که این حق نیز در قانون قبلی وجود نداشته است.

نتیجه‌گیری

با توجه به توضیحات ارائه شده در مقاله تقدیمی، به نظر اینجانب می‌توان نتیجه گرفت که قانون جدید (آ د ک) مصوب سال ۱۳۹۲ نقش و اختیارات وکیل دستخوش تغییرات محسوسی قرار گرفته است که این تغییرات شامل حضور وکیل در دادسرا و دادگاه‌ها و حق داشتن وکیل برای همه متهمان حقی است که حتی در مرحله تحقیقات در دادسرا نیز در نظر گرفته است، و حتی چنانچه متهم فاقد وکیل باشد، تا پایان اول جلسه رسیدگی دادگاه نیز می‌تواند از دادگاه تقاضای وکیل نماید، و دادگاه نیز موظف به تعیین وکیل برای متهم می‌باشد، و در قانون قدیم دادگاه‌ها حق دستور حبس وکیل را در صورت اخلال در نظم دادگاه داشتند، که این حق دستور حبس به اخراج از جلسه دادگاه و معرفی به دادرسی انتظامی و کلاً تقلیل یافته است و اختیار دیگر نیز در حق درخواست رای وحدت رویه توسط وکلا می‌باشد. در مجموع می‌توان نتیجه گرفت قانون‌گذار در قانون جدید اهتمام به رعایت عدالت کیفری برای متهمان و دادن اختیاراتی به وکیل، سعی در پررنگتر کردن نقش و جایگاه وکیل در دادرسی‌های کیفری نموده است تا متهمینی که در مظان اتهام قرار دارند و نسبت به قانون و حقوق خود آشنایی ندارند بتوانند با وجود وکیل در مراحل اولیه دادرسی و رسیدگی کیفری و معاضدت آنان به عدالت کیفری نزدیکتر شوند.

فهرست منابع و مآخذ

۱. آخوندی، محمود، آئین دادرسی کیفری، انتشارات اشراق، چاپ دوم، دانشگاه قم، ۱۳۸۲
۲. ابوعطا، محمد، موضوع وکالت در حقوق ایران و فرانسه، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال دوم، شماره سوم، زمستان ۱۳۸۹
۳. انصافداران، محمدرضا، بررسی تطبیقی وظایف حرفه‌ای وکیل دادگستری، چ اول، جنگل، تهران، ۱۳۸۶
۴. جوانمرد، بهروز، تضمینات حقوق بشری یا اصول رسیدگی عادلانه در تحقیقات مقدماتی، ماهنامه دادرسی، سال یازدهم، شماره ۶۵، آذر و دی ۱۳۸۶
۵. خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، چ چهارم، انتشارات شهر دانش، تهران، ۱۳۸۹
۶. عمید، حسن، فرهنگ فارسی، چ اول، انتشارات راه رشد، تهران، ۱۳۸۹
۷. کاتوزیان، ناصر، عقود معین، ج ۴، چ سوم، انتشارات شرکت سهامی، تهران، ۱۳۷۸
۸. لطفی، اسدالله، سلسله مباحث فقهی و حقوقی عقد وکالت، چ دوم، انتشارات جنگل، تهران، ۱۳۹۲
۹. مدنی، سید جلال‌الدین، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی، تهران، انتشارات پایدار، چاپ ششم، ۱۳۸۰
۱۰. معاونت حقوق ریاست جمهوری، قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴، تهران، انتشارات تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات، چاپ اول، ۱۳۹۳

